

1

سپهر



Süleymaniye U. Kütüphanesi	
Kısmı	İZMİR
Yeni Kayıt No	
Eski Kayıt No	510

خدا و الله که بیدار شود و بگوید
بویله غیری بقی بقی بقی بقی
شیرین و جویا و بویله و بویله
و افرایندی روی غیری و افرایندی
و زین مقدار در این اشیا سر
هم در روی نمایه اول و در روی
حضرتی اول که اول و در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بر علم در که کماله اهلن پیرایه در
بیلند و بویله بویله بویله
سما علم و بویله علی قول النصیر
بویله که در روی بویله که در روی
اندیش فاضله و بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی



بویله که در روی بویله که در روی
طری از روی بویله که در روی
سند فادیه از روی بویله که در روی
آن بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
ایلم هاسله هر یک از حافاتی باز
جمله ایراد اندم شدیدی ابعاد ایلم
هر فرد عینی ایلم که ایراد ایلم
بعضی سبب اشتغال بعضی ایلم
تج عروسی و از روی بویله که در روی
ضرب قی اول و بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
کندی اول و بویله که در روی
اول و بویله که در روی بویله که در روی

بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی

بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی
بویله که در روی بویله که در روی

مفاعله
مفعول
مفعول
مفعول
مفعول
مفعول
مفعول
مفعول

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

بجوهن: اصل الیہ کن مناعین در

فداصل استماله لذت احقر ز دور زبای بجر و جویا لجز و استمال
اول نور اصل افروز دیو لثان ایات قصود بر بیت کی
عفت یا صاع نه سبیل شریک **ف** فضل مغنی بخدی عافها **منه**

هزجہ ایت غنا جانا بولا تادل صفا بچا

مفاعیلین
بحر و سائل

صفاء و بر شکر

مفتول

روزه اصل قدوس
باید روزها و شبها
بالم اجتناب
و کسر و منتهی

بحرِ رَحْمَةِ الْكَرَمِ مَغَائِلُ دُرِّ

بالحق صفا و بوالاخذ
مستغفر

ترجمہ از دوپہ اواز خوبیلہ مدد

سنگھائی
۶۷

ای دلربا و پر قلب محزون فرج

مستغفران
بجزو سام

هم و غم دل نه کید و ای مادر و

100

زفاف جعفر بن ابی طالب
 عروقتی مالد علی الاضلاع
 ضربت کف او بر کف او و باز کف او بر کف او
 غمضت کف او بر کف او و باز کف او بر کف او
 وضع او بر کف او و باز کف او بر کف او
 اخل او بر کف او و باز کف او بر کف او
 زفاف جعفر بن ابی طالب
 عروقتی مالد علی الاضلاع
 ضربت کف او بر کف او و باز کف او بر کف او
 غمضت کف او بر کف او و باز کف او بر کف او
 وضع او بر کف او و باز کف او بر کف او
 اخل او بر کف او و باز کف او بر کف او

ارمو ما استفادوه
 كذا لك العيش عاربه
 في الذي قد ما نوا
 وفيما خلف عاب
 لو كان ابو موسى
 امير امار ضياه
 فقلت لا تخف شيئا
 فما عليك من باس
 فخذ ان يزود ان
 وذا من كتب بريحي
 اليه صديبا قلى
 وصدي منها يعي
 اقلاد في المام
 لصيت مسترام
 اشدر حيا زكك لوت
 ولا تجزع في الموت
 من قتلنا السيل الجرب
 رمتنا سبقي
 عفا ذآل الى السب
 فالامح والهم
 وما ظهري باع الضيم
 بالظفر الذلول
 قد حلق قلبى منزل
 من ام عمر ومقعب
 انك خرب سرخ سالم
 والقلب في جاهد بين
 دار لى اوسيدى جاره
 فقر ترى انا من الزم

محبوب مقتول لاخیر میں کف عتاب ہے، ان کا ان کے لیے ایم حیدر



۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

حکام اصیل اللہ کو متفعلن در

سنی سودی بود دل بی فروغ
روم چه بیند چه ساقط

جس نے کہ کوری دل اسے گزیرے وہی ہے

[illegible]

اولیسم والہ

[illegible]

مستحق الامور
النفقة
النفقة

افذت اضمار اثبات اندر و استناده
 الجوز بدین اثبات و المیکر در بیت
 و با حنا و فیها اهل
 و لکایار نقل و بدل

[illegible]

بجرمل اصیل آلتی کوه فاعلاتن در

مر ملا جاناسینه ایدوب طلب

غیبی به

اترکه داتم پیروم ای قور شتا

لاله رو

شباب

افو اندم دور داتم بابتک و پیو

جج



جر سابع اصیل آلتی کوه مستفعلن مستفعلن منقولات در

اولک میرو

سرت ایدوب اغیار ای لاله خد

کتملد آه

کتبه شها یتیمه دلم هجی آشنه مد

بد قلب یر غم ویر طرب

وارمادلم غم او دینه اتمه قاو

ایامه روح فادک جج

وزن

جر سنج اصل ایل کنه مستغفلن معنی مستغفل

ا ب ل ج

تسریح طرف ایت باقی باک ای ذی غنج

هنا ب

جور جفا تر کن ایله اتمه غلو

8

جر خفیف اصل کنه فاعلان مستغفلن فاعلان

قلبه شادی ویر کل مدد

کل خفیف ایدوب جون کی اوله مزعج

ذی وفا اولیوری مه

ای صنم قلبنزدن ایت دفع غم ویر فرج

ای غنچه لب

هم اغیار اوله کل ای ملک خو

بحر مضارع اصیل الکی کره مضارع فاعل لاتر مضارع

مضارع دکایه حقا. او و جک یا سن خد

مضارع سرور عنا. ایا دلاوه او حشر قد

بحر قنض اصیل الکی کره مضارع فاعل مستغفر

مضارع شکرت اوله. ای ضم بلا لر ابد

بحر محبت اصیل الکی کره مضارع فاعل فاعلان

محبت اولوب ای دلاوه اغیار یا نکذایت رد



بحر متقارب اصیل کز کن فاعل در

ایدب ابله دفع وله

تقارب بود نخسته یه ایت شکر لب

نه و ارانک ای نه سر

ای صیب

وصالک شرابن ایجون ویر مضارع

فرج

تقارب

بیان بود از مثنیه ده اولان بحر در بند با
نوب ای برده بحر سریع در سرخ ایخی و در دخی
مستغفری در بحر زبرخان مستغفری مستغفر
مستغفری در نه نصف بیت مشرق اولور و
خفیف ایخی و در دخی سینه مستغفری کف مشرق
حقا با سر نیک مضارع و در دخی مستغفری
و تدر بحر قنض ایه غولان در ابتدا
ایله بحر محبت ایه غولان در ابتدا ایله محار
بولک جمله سکر بیان کلام ظاهر در است
مشرع خفیف اولیک و او جینی مستغفری لفظک
سبب تا نیندن ابتدا ایله محار مضارع ایه
و تدر لوندن محار ابتدا ایله محقق ارجیندن
در محبت ایه غولان در بحر سریع ایه
ایخی و در دخی مستغفری در بحر استغفر
مضارع اولیک و او جینی فاعلان لفظک و تدر
محار محقق ایه سبب ایزر لوندن محار
محبت ایه مستغفری اخری اولان بی در بحر
مشرع ایه فاعلان سبب اخرین در بحر استغفر
مضارع خفیف اولیک و او جینی مضارع
اولیک سبب محار محبت ایه ایخی سبب
لوندن محار سریع ایه فاعلان لفظک
لان در ابتدا ایله محار مشرق ایه ایخی
و در دخی مضارع سبب لوندن ابتدا ایله
محار خفیف ایه سبب تا نیندن ابتدا ایله محار
استغفری محبت مستغفری نک غولان سرور
محار سریع ایه اولیک و او جینی مستغفری در
محار مشرق ایه ایخی و در دخی مستغفری در
محار خفیف ایه فاعلان لوندن محار مضارع ایه
علی لوندن ابتدا ایله محار استغفری سریع مستغفری
لفظک بی در ابتدا ایله بحر مشرق ایه اولیک و او جینی
فاعلان لفظک سبب اخرین در ابتدا ایله محار خفیف
ایله ایخی و در دخی فاعلان در ابتدا ایله محار محقق
نک در ابتدا ایله محار جمله سکر بیان و تدر استغفری
بیانده ظاهر در بحر فاعلان اولان

